

۳

راهبرد سیاست خارجی ترکیه در بحران لیبی: تحکیم الگوی اخوانی، منافع اقتصادی یا توازن منطقه‌ای

محمد عالم رود معجنی^۱

^۱. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران alemroudmajani@ut.ac.ir

چکیده

بدنبال سرنگونی رهبر پیشین لیبی معمر قذافی در اکتبر سال ۲۰۱۱ خلاء قدرتی در ارکان نظام سیاسی و اجتماعی پدید آمد. فقدان یک دولت مقتدر که قادر به اعمال حاکمیت یا انحصار زور باشد، باعث گردید اوضاع پیچیده سیاسی و امنیتی کشور دچار چالش جدی برای دستیابی به یک توافق جامع بین دو بلوک قدرت در شرق و غرب لیبی شد. دخالت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی باعث تعمیق شکاف سیاسی و دو قطبی شدن فضای سیاسی و امنیتی لیبی شده است. ترکیه بعنوان یکی از کشورهای بزرگ خاورمیانه که از زمان حکومت سابق لیبی سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در اقتصاد این کشور داشت، با شروع ناآرامی‌ها در قالب پیمان ناتو به حمایت نظامی از شورشیان پرداخت و پس از تشکیل دولت وفاق ملی در طرابلس (مورد تأیید سازمان ملل متحد) از حاکمیت این دولت بر سرتاسر خاک لیبی دفاع کرد. در مقابل، قدرت‌های منطقه نظیر مصر، امارات متحده، عربستان به همراه فرانسه دولت موقت در شرق لیبی (طبرق) را مورد تأیید قرار دادند تا نزاع بر سر منافع در این منطقه به اوج خود برسد. در این پژوهش سعی می‌شود انگیزه‌ها و اهداف راهبردی سیاست خارجی ترکیه از حضور فعال در بحران لیبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. با توجه به کاربست روش توصیفی-تحلیلی، استدلال این مقاله این است که منافع ترکیه در شمال آفریقا با حفظ ثبات و گسترش حاکمیت دولت وفاق ملی بر همه مناطق لیبی گره خورده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مصالح ترکیه در لیبی با عبور از تمایلات اخوانی بر کسب منافع اقتصادی و تقویت موازنه قوا در سایه رقابت با قدرت‌های منطقه‌ای و اروپایی متمرکز شده است.

• واژگان کلیدی

ترکیه، لیبی، منافع اقتصادی، توازن منطقه‌ای، اخوان المسلمین.

مقدمه

بحران نه ساله لیبی این کشور را به میدان جنگ برای رقابت ژئوپلیتیک بین قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در قالب اتحادهای منطقه‌ای تبدیل کرده است. از یکسو کشورهای دیگر نظیر مصر، عربستان و امارات متحده که مدافع حفظ وضع موجود در منطقه هستند با حمایت از فرمانده ارتش لیبی ژنرال خلیفه حفتر تلاش کردند مانع تثبیت حاکمیت نیروهای متمایل به اخوان المسلمین گردند و از سوی دیگر ترکیه با پشتیبانی از حکومت وفاق ملی لیبی تلاش می‌کند آخرین پایگاه نفوذ خود را در شمال آفریقا حفظ کند. کشورهای اروپایی نظیر ایتالیا و فرانسه که نقش مهمی در سرنگونی رهبر سابق لیبی داشتند در پشتیبانی از دو دولت شرق و غرب لیبی دچار دو دستگی شدند. تشکیل "نشست گازی" با حضور کشورهای مصر، قبرس و یونان برای اکتشاف و استخراج منابع انرژی در شرق مدیترانه و نادیده گرفتن ترکیه در این پروژه عظیم گازی خشم ترکیه را برانگیخت. این کشور با انعقاد توافق‌نامه امنیتی و دریایی با دولت وفاق ملی لیبی، نسبت به اقدام کشورهای حاشیه شرق مدیترانه واکنش نشان داد. از نگاه بعضی از نظریه پردازان روابط بین‌الملل، ناکامی ترکیه در ارائه الگوی حکومتی خود به کشورهای خاورمیانه، این کشور را وادار ساخت تا در راهبرد سیاست خارجی خود تجدید نظر نماید و نوواقع‌گرایی را در سیاست جدید خاورمیانه پیشه خود سازد. مطرح شدن دکترین "وطن آبی" از سوی سیاسیون این کشور و حضور فعال ترکیه در شمال آفریقا و شرق مدیترانه در همین راستا قابل توجه است. در این پژوهش، راهبرد جدید سیاست خارجی ترکیه هم دیدگاه نخبگان داخلی و هم ساختار آنارشیست بین‌المللی را مد نظر قرار می‌دهد، از اینرو، برای توجیه و تبیین سیاست‌های ترکیه از چارچوب نظری واقع‌گرایی نوکلاسیک استفاده می‌شود؛ این نظریه با تلفیق دو سطح داخلی و بین‌المللی می‌تواند تأثیرگذاری متغیرهای گوناگون مانند انگیزه‌ها، اهداف و رفتارهای سیاست خارجی ترکیه را تبیین نماید.

پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از: هدف از سیاست خارجی فعال ترکیه در قبال بحران لیبی و حضور نظامی در شمال آفریقا و شرق مدیترانه چیست؟

آیا ترکیه در شمال آفریقا به دنبال حاکم کردن الگوی حکومتی اخوانی است، انگیزه‌های اقتصادی دارد یا دنبال توازن منطقه‌ای با رقباست؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که رفتارهای اخیر سیاست خارجی ترکیه نشان می‌دهد که ترکیه پس از ناکامی در جایگزینی الگوی حکومتی خود در جهان عرب، تاحدی در راهبرد سیاست خارجی خود تجدید نظر کرده است. براساس شاخصه‌های این راهبرد، هدف ترکیه از حضور فعال در بحران لیبی، کسب مزایا و منافع اقتصادی و همزمان برقراری توازن منطقه‌ای در شمال آفریقا و شرق مدیترانه می‌باشد.

در این نوشتار پس از مقدمه، ابتدا ویژگی‌های چارچوب نظری واقع‌گرایی نوکلاسیک توضیح داده می‌شود. آنگاه پیشینه روابط تاریخی و سپس روابط اقتصادی مرور می‌گردد. بحران لیبی و پیامدهای آن در قسمت بعد بررسی خواهد شد و پس از آن نقش ترکیه در بحران لیبی به صورت مشروح بیان می‌شود و در پایان نتیجه‌گیری خواهد شد.

۱- چارچوب نظری: واقع‌گرایی نوکلاسیک

واقع‌گرایی نوکلاسیک در واکنش به ایرادهای موجود در مفروضه‌های واقع‌گرایی ارائه گردید تا رفتار سیاست خارجی کشورهای منفرد را تبیین کند و با تأکید بر تعامل نظام بین‌الملل و پویای داخلی کشورها، راهبرد سیاست خارجی کشورها را در قبال الگوهای تکرار شونده نتایج بین‌المللی توضیح دهد. واقع‌گرایی نوکلاسیک عناصر ومفروضه‌هایی از واقع‌گرایی کلاسیک و نواقع‌گرایی را درهم می‌آمیزد تا سیاست خارجی کشورهای مشخص را تحلیل نماید، بدین معنا که هم تأثیر و اهمیت آنارشیک نظام بین‌الملل بر رفتار سیاست خارجی کشورها را می‌پذیرد و هم مانند واقع‌گرایی کلاسیک تأثیر ویژگی‌های کشورها و متغیرهای سطح واحد را بر رفتار آنها مورد توجه و تحلیل قرار می‌دهد. واقع‌گرایان نوکلاسیک مانند نواقع‌گرایان قدرت را بر اساس توانمندی تعریف می‌کنند اما برخلاف آنها نه تنها به عوامل سطح نظام توجه دارند؛ بلکه برداشت‌های ذهنی و ساختار داخلی دولت‌ها برایشان حائز اهمیت است و به نوعی بر لزوم نگاه به سطوح مختلف تحلیل تأکید دارند.

تلفیق سطوح (خرد و کلان): ساختارنظام بین‌الملل به معنای چگونگی توزیع قدرت به تنهایی نمی‌تواند سیاست خارجی کشورها را توجیه کند؛ بلکه ترکیبی از فرصت‌ها و محدودیت‌های داخلی رفتار سیاست خارجی را تبیین می‌کند. براین اساس، درحالی که واقع‌گرایی نوکلاسیک بر مفروضه‌های نواقع‌گرایی در مورد آنارشی تأکید دارد اما برای تحلیل سیاست

خارجی متغیرهای سطوح دیگر نظیر عوامل سیستمیک، داخلی و فردی را که بر ابعاد سیاست خارجی تاثیر گذارند، به کار می بندد. همانطور که رز می گوید: نوواقع گرایی هردو دسته متغیرهای داخلی و خارجی را شامل می شود. هدف سیاست خارجی یک کشور از جایگاه آن در نظام بین الملل و به بیانی دقیق تر مقدورات و توانایی های قدرت مادی نسبی آن ناشی می شود (Rose, 1998: 146).

از نگاه واقع گرایی نوکلاسیک کسب قدرت توسط دولت ها برای تامین امنیت در نظام آنارشیک بین الملل است، لذا، کسب قدرت یک هدف نیست. درحالی که نوواقع گرایی یک متغیر مستقل (قطبیت) و یک متغیر وابسته (پیامد بین المللی) را تحلیل می کند؛ واقع گرایی نوکلاسیک متغیرهای مستقل در دو سطح ملی و بین المللی را برای تبیین پیامدهای بین المللی در سیاست خارجی کشورهای منفرد به کار می بندد.

نقش مداخله گر دولت و جامعه در سیاست خارجی: برای تبیین نقش مداخله گر دولت

در تئوری های سیاست خارجی ضروری است نشان داده شود که چرا، چگونه و تحت چه شرایطی ویژگی های داخلی کشورها - توانایی استخراج و بسیج نهادهای سیاسی و نظامی، تاثیر بازیگران داخلی، میزان استقلال دولت از جامعه و سطح انسجام نخبگان - میان برآورد رهبران از تهدیدها و فرصت های بین المللی و سیاست های واقعی دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی که آنها دنبال می کنند، مداخله می کند. به عبارتی، واقع گرایی نئوکلاسیک یک حلقه اتصال بین انگیزه ها و محدودیت های سیستمیک از یکسو و سیاست های واقعی اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک از سوی دیگر ایجاد می کند. طرفداران واقع گرایی نئوکلاسیک از بینش های نظری نوواقع گرایی والتز، گیلپین و دیگران استفاده می کنند؛ بدون اینکه درگیر پیچیدگی موجود در واقع گرایی کلاسیک مورگنتا، کیسینجر، ولفرز و دیگران شوند. همانند سایر انواع واقع گرایی، واقع گرایی نئوکلاسیک فرض می کند که سیاست، یک مبارزه دائمی بین کشورهای مختلف برای قدرت و امنیت مادی در دنیایی از منابع کمیاب و غیر مطمئن است. هرج و مرج و نبود یک دولت مستقل جهانی عامل اصلی جنگ های بین المللی است و همه کشورها انگیزه کافی دارند تا برای تامین امنیت خود تلاش کنند (Taliaferro, Lobell, Ripsman, 2009: 4).

براساس این نظریه دولت به معنای نهاد حکومتی با نقش میانجی به ارزیابی تهدیدها و فرصت های نظام بین المللی پرداخته و سیاست خارجی مخصوص آن شرایط تدوین می کند.

بدیهی است برداشت واقع‌گرایی نئوکلاسیک با مفهوم آن در نظریه‌های لیبرال و سازه‌نگاری فرق دارد. در اینجا قوه مجریه شامل رئیس حکومت و کارگزاری است که وظیفه سیاست‌گذاری امنیتی و سیاست خارجی را برعهده دارد و در واقع حدفصل میان نظام بین‌الملل و دولت قرار می‌گیرد. واقع‌گرایی نئوکلاسیک، رابطه بین دولت و سیاست خارجی را بر پایه سه دسته از متغیرها تجزیه و تحلیل می‌کند: نخست؛ تهدیدها و فرصت‌ها که از سوی تصمیم‌گیرندگان ارزیابی می‌شوند. دوم، بازیگران اصلی سیاست خارجی که تهدید و فرصت‌ها را ارزیابی می‌کنند، شناسایی می‌شوند. سوم اینکه حل و فصل اختلافات درون کشورها و ماهیت تهدیدات بین‌المللی و راه حل مناسب مشخص می‌گردد.

رقابت براساس معادله قدرت انجام می‌شود و بازیگرانی می‌توانند در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی رقابت کنند که ابزارهای حیاتی قدرت را داشته باشند. اگر رقابت ماهیت هوشمند پیدا کند بیانگر آن است که بازیگران رقیب در حوزه منطقه‌ای و بین‌المللی برای ایفای نقش باید از ابزار هوشمند بهره‌گیرند. ازاینرو، کشوری مانند ترکیه تلاش می‌کند در روند توازن منطقه‌ای نقش محوری را ایفا کند تا بتواند هم از منافع ملی خود حمایت نماید و هم بر محیط منطقه‌ای تاثیرگذار باشد. البته براساس چنین نگرشی، امنیت تابعی از قدرت ابزاری و ایستارهای ایدئولوژیک است و مولفه‌های معنایی و ایستاری درکنار ابزارهای نظامی، نقش محوری در سازماندهی قدرت و توازن منطقه‌ای خواهند داشت (متقی، نکولعل آزاد ۱۳۹۳: ۱۱۲).

واقع‌گرایان نوکلاسیک تدافعی نیز همزمان به رابطه میان آنارشی و الزامات نظام بین‌الملل و رفتار دولت‌ها توجه دارند. فرض آنان این است که آنارشی بین‌المللی کم و بیش خوش‌خیم است. دولت‌ها تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آنها وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش نیز اغلب در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است. آنان به جای موازنه قدرت از لفظ موازنه تهدید استفاده می‌کنند و عبارت است از ترکیبی از قدرت تهاجمی دولت، توانمندی‌های نظامی، نزدیکی جغرافیایی و نیت تجاوزکارانه احتمالی آن. این پژوهش با بهره‌گیری از مفروضات نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک سعی در توجیه و تبیین حضور نظامی ترکیه در شمال آفریقا و لیبی دارد. این نظریه به علت پوشش سطوح تحلیل خرد (دیدگاه‌های نخبگان) و داشتن مفهوم موازنه قوا و هژمونی به خوبی می‌تواند ائتلاف‌های منطقه‌ای و راهبرد سیاست خارجی ترکیه برای دستیابی به جایگاه برتر منطقه‌ای در شمال آفریقا را تحلیل نماید.

۲- پیشینه تاریخی لیبی

سرزمین کنونی لیبی وارث ایالت تریپولیتانیا (طرابلس) است که از سال ۱۵۵۱ تا ۱۸۶۴ امپراتوری عثمانی بر آن حکمرانی داشته است. علاوه بر آن، بنیانگذار ترکیه مدرن کمال آتاتورک، در کسوت افسر نظامی جوان از طرابلس در مقابل تهاجم ایتالیا در سال ۱۹۱۱ دفاع کرد و موفق شد در نبرد طبرق علیه نیروهای ایتالیا پیروز شود. از اینرو علاقه ترکیه به لیبی به گذشته مشترک دو کشور برمی گردد؛ چرا که بمدت ۴۰۰ سال سرزمین لیبی بخشی از امپراتوری عثمانی بوده است (Yayla, 2020: 1).

از نظر تاریخی برقه قلب اصلی کشور لیبی است؛ زیرا در دوره استعمار ایتالیا مرکز مبارزات به حساب می آمد. شبکه اخوان المسلمین با متحد ساختن قبایل و رهبران سنوسی، یک جنبش ملی گرایي نیرومند برای جنگ با نیروهای اشغالگر ایجاد کرد. در سال ۱۹۴۹ رهبر آنها شیخ محمد ادریس با حمایت شورای قبایل، قانون اساسی برقه را منتشر ساخت. پس از آنکه محمد ادریس بعنوان پادشاه لیبی منصوب شد قبایل شرقی از امتیازات فراوانی برخوردار بودند. با وجود آنکه بعداً پایتخت به طرابلس منتقل گردید، بنغازی جایگاه سلطنتی خود را حفظ کرد و با کشف ذخایر عظیم نفت در حاشیه های جنوبی توسعه یافته ترین منطقه اقتصادی شناخته شد. برجای ماندن نسل سربازان و مامورین دولتی ترک که از آناتولی به آنجا مهاجرت کرده بودند سبب گرایش لیبیایی ها به ترکها شد. در زمان اشغال لیبی توسط ایتالیا هواداران طریقت السنوسی مناسبات خوبی با ترکان داشتند و تا قبل از عقب نشینی سربازان عثمانی از طرابلس، آنها دوشادوش سربازان عثمانی علیه ایتالیایی ها می جنگیدند. عمر مختار قهرمان مشهور مبارزه با استعمار ایتالیا نیز با ورود به جنبش السنوسی به جنگ با اشغالگران پرداخت و گفته می شود پدر وی زمانی جزو افسران امپراتوری عثمانی بوده است. براساس توافق نامه سال ۱۹۵۱ کشور لیبی با متحد ساختن مناطق طرابلس ساحلی، بنغازی و صحرای فزان توسط قدرتهای بزرگ غربی تأسیس شد. سازمان ملل متحد این سرزمین ها را بعنوان یک کشور مستقل برسمیت شناخت و به ادریس اول السنوسی (۱۹۶۱-۱۹۵۱) واگذار کرد (Chuprygin, Matrosow, 2019:5-9).

کشوری که با قوانین و مفاهیم روابط بین الملل ایجاد شد، منطقاً باید توسط بازیگران شناخته شده بین المللی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گرفت. با این حال، کشورهای اروپایی توجهی به ویژگی های مناطق نمودند و با پیدایش نفت در شرق بنغازی این منطقه بیشتر مورد توجه آنها قرار گرفت. در دوران حکومت سلطنتی، دین اسلام عامل وحدت بخش جامعه بود و

حال آنکه تقسیم مناطق براساس ویژگی‌های اقتصادی انجام شد. پس از آنکه معمر قذافی سلطنت را سرنگون کرد، الگوی سیاسی-اجتماعی جدیدی را معرفی نمود؛ وی با اعطای امتیازات و آزادی‌ها به عشایر و درپیش گرفتن سیاست جمعیتی در قبال گروه‌های اجتماعی نقش مهمی در اتحاد لیبی داشت. البته این مناطق هیچگاه به صورت کامل از لحاظ فرهنگی یکپارچه نشدند؛ زیرا دو منطقه پیشرفته طرابلس و بنغازی استعداد جدایی از فزان را دارند. فزان تامین‌کننده اصلی نفت و آب و عامل رونق اقتصادی مناطق ساحلی می باشد.

۳- پویایی روابط اقتصاد ترکیه و لیبی

روابط راهبردی دو کشور از دوره نظام سابق براساس منافع متقابل برقرار بوده است. این همکاری از سال ۱۹۷۴ با حمایت لیبی از عملیات نظامی ترکیه در قبرس آغاز شد و لیبی تجهیزات نظامی مانند قطعات یدکی هواپیما در اختیار ترکیه گذاشت. پس از جنگ، نخست وزیر لیبی عبدالسلام جلود با سفر به آنکارا در مورد چندین قرارداد مشارکت اقتصادی از جمله تأسیس بانک و هواپیمایی ترکیه در لیبی به توافق رسید. بخش ساختمانی لیبی قلب تپنده روابط اقتصادی دو کشور و لیبی پس از روسیه نخستین بازار خارجی برای پیمانکاران ترکیه می بود. تا قبل از بحران لیبی ۱۲۰ هزار کارگر و مهندس ترک در حدود ۱۵۰ شرکت در بخش‌های ساختمانی و زیربنایی لیبی مشغول به کار بودند. افتتاح چندین شرکت و بنگاه اقتصادی همچون بانک مشترک ترکیه - عرب در استانبول، بانک کشاورزی و هواپیمایی ترکیه از جمله اقداماتی بود که دو طرف در سال ۱۹۷۸ درباره آنها به توافق رسیدند. برغم نوسانات دهه هشتاد ناشی از تحریم‌های سازمان ملل، همکاری‌های دو طرف در صنعت ساخت و ساز به رقم ۱۴.۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۳ بالغ شد. این حجم بالای سرمایه‌گذاری، بیشترین میزان توسط شرکت‌های ساختمانی ترکیه در یک کشور خارجی محسوب گردید (Oztas, Polat, 2019:8 & 13).

در دوره قذافی، باوجود سیاستهای متفاوت دو کشور در موضوعات بین المللی هر دو طرف سعی کردند روابط اقتصادی فی مابین را حفظ نمایند. با سفر وزیر امور خارجه وقت ترکیه در سال ۲۰۰۹ به لیبی در زمینه سرمایه‌گذاری، ساخت و ساز و تجارت به توافق رسیدند. در ادامه بدنبال سفر اردوغان به لیبی دو طرف توافق نامه هایی در زمینه‌های انرژی، ایجاد مناطق آزاد تجاری، معافیت ویزا، همکاری در بخش کشاورزی و بانکی، بخش حمل و نقل، ماهیگیری، اشتغال، مهاجرت غیرقانونی، ایجاد یک اتاق تجارت مشترک به امضا رساندند. در حالی که حجم

تجارت بین دو کشور در سال ۲۰۰۸، ۱.۴ میلیارد دلار بود، این میزان در سال ۲۰۰۹ با ۵۷ درصد افزایش و به ۲.۲ میلیارد دلار افزایش یافت (Bagci, Erdurmaz, 2017: 40-41).

با شروع بحران لیبی، همه پروژه‌های در دست اقدام شرکت‌های ترکیه در لیبی متوقف شد و در شهرهای طرابلس، بنغازی و درنا ۱۴ سایت ساخت و ساز که توسط پیمانکاران ترک اداره می شد بدست شورشیان به آتش کشیده شد. از آنجا که بسیاری از این پروژه‌ها در مرحله تکمیل بودند، این شرکت‌ها بدون جمع‌آوری مطالبات و حتی با جا گذاشتن تجهیزات خود مجبور به ترک لیبی شدند. همزمان با اوج‌گیری خشونت و جنگ داخلی در لیبی، ۲۵ هزار کارگر و مهندس ترک که در پروژه‌های ساخت مشغول به کار بودند، خاک لیبی را ترک کردند. اما با وجود شرایط ناپایدار سیاسی و امنیتی در لیبی، دو طرف در زمینه سرمایه‌گذاری‌های مشترک در بخش‌های انرژی، شرکت‌های ساختمانی، فناوری، آموزش، امور بانکی، حمل و نقل و کشاورزی ادامه می دهند. کارگروه مشترک پیمانکاران ترک با حضور وزرای تجارت ترکیه و وزیر برنامه ریزی لیبی در تاریخ ۳۱ ژانویه ۲۰۱۹ در استانبول برای احیای روابط اقتصادی دو کشور برگزار شد. دستور کار جلسه فراهم کردن بستر قانونی برای ادامه کار شرکت‌های ترک و تکمیل پروژه‌های ناتمام خود در لیبی بود. این موارد شامل: انجمن پیمانکاران ترکیه، شورای تجارت ترکیه و لیبی، انجمن بانک‌های ترکیه و همچنین نمایندگان دولتهای کارفرمایانی که پروژه‌های زیربنایی و روبنایی را در لیبی، سازمان های اجرای پروژه های زیربنایی و حمل و نقل، دفتر حسابرسی ملی لیبی و سازمان توسعه مراکز اداری در حال اجرا دارند بود. مطابق گزارش روزنامه دیلی صباح، وزارت تفاهم نامه ها و قراردادهای نقشه راه جدیدی را برای چگونگی رفع مشکلات دیرینه پیمانکاران ترکیه ارائه داده است. به دلیل شرایط بحرانی لیبی، عملکرد شرکت‌های ترکیه تحت تأثیر قرار گرفته است. کل پروژه‌های ناتمام شرکت‌های ترکیه ۱۹ میلیارد دلار است در حالی که مطالبات قابل تسویه حساب جمع‌آوری نشده یک میلیارد دلار، مبلغ وثیقه ۱.۷ میلیارد دلار و سایر خسارات در حدود ۱.۳ میلیارد دلار است (Daily Sabah, 2019).

به لحاظ اهمیت راهبردی لیبی (دروازه ورود به آفریقا) ترکیه در سال ۲۰۱۴ نماینده ویژه برای پیگیری روابط اقتصادی تعیین کرد. لیبی با دارا بودن ۴۰ میلیارد بشکه ذخایر نفتی و ۵۴ تریلیون مترمکعب گاز رتبه ۲۱ جهانی را دارا می باشد. پروژه‌های تعلیق شده ترکیه به قیمت ۱۹ میلیارد دلار و طرح‌های بازسازی لیبی، انگیزه ترکیه برای حضور در لیبی را دوچندان کرده است. ترکیه حدود ۱۵ میلیارد دلار تعهدات قراردادی بدون پرداخت در لیبی دارد. ترکیه با

حمایت از ایجاد دولت مرکزی سعی در تداوم روابط اقتصادی با لیبی داشت؛ زیرا هرج و مرج و تهدید جنگ داخلی، منافع اقتصادی ترکیه را بشدت آسیب می رساند. محاسبات اقتصادی انگیزه اصلی ترکیه برای حضورش در شمال آفریقا بوده است. توافقنامه‌های دریایی ترکیه و لیبی هم درباره حدود مرزهای دریایی این امکان را به ترکیه می دهد تا حوزه اقتصادی خود را در مدیترانه شرقی گسترش دهد. با این وجود این یک چالش اقتصادی عمده برای بهره‌برداری از منابع انرژی در منطقه انحصاری اقتصادی مورد اختلاف کشورهای منطقه به وجود می آورد. علاوه بر اهداف اقتصادی در توافق‌نامه دریایی با لیبی از نظر راهبردی نیز با این توافق‌نامه، ترکیه دیواری فرضی بر سر راه ارتباط دریایی بین یونان و جزیره قبرس ایجاد می کند.

۴- بحران لیبی و پیامدهای منطقه‌ای

در فوریه ۲۰۱۱ شورش و ناآرامی بنغازی و تمام شهرهای شرقی لیبی، جایی که نارضایتی‌های اقتصادی و سیاسی در دوران طولانی حکومت قذافی در حال رشد بود، را فرا گرفت و شبه نظامیان محلی در شهرها و مناطق روستایی ظاهر شدند. برخی از نیروهای مخالف در قالب نهاد شورای گذار ملی (NTC) متحد شدند و بلافاصله تیپ‌های جنگی آن از سوی پیمان ناتو مورد حمایت هوایی قرار گرفتند. هنگامی که نیروی نظامی غرب وارد جنگ شد با تصرف پایتخت و سرنگونی معمر قذافی ساختار دولت لیبی فروپاشید و خلاء قدرت ایجاد شد. پس از انتخابات پارلمانی ژوئیه ۲۰۱۲ شورای انتقالی ملی خود را منحل کرد و کنگره ملی عمومی (GNC) جایگزین آن شد. نیروهای سیاسی حزب عدالت و سازندگی با گرایشات اخوانی در تلاش برای کسب اکثریت در انتخابات ۲۰۱۴ پارلمان و تامین منافع همه گروه‌ها در قالب احزاب سیاسی وارد فضای انتخابات شدند. اما نتایج انتخابات مجلس برخلاف انتظار خبر از شکست غیر منتظره ائتلاف احزاب نزدیک به کنگره ملی داد، بنحوی که آنها تنها ۸۰ کرسی از مجموع ۲۰۰ کرسی نمایندگی پارلمان را بدست آوردند. این انتخابات نبود روحیه دموکراتیک را نشان داد؛ زیرا بازیگران پیشرو در ارتباط با رهبران قبایل توانستند سهم نمایندگان مستقل متمایل به قبایل و مناطق شرقی لیبی را کسب کنند. با روشن شدن نتایج انتخابات، اختلافات بین دو منطقه غرب و شرق لیبی که در اختیار نیروهای حفر بود، عمیق‌تر شد و دولت کنترل خود را بر منابع طبیعی در جنوب بنغازی و شهرهای بنی ولید و مصراته از دست داد. شوراهای محلی

قبیله‌ای جایگزین شورای کنگره ملی در بسیاری از شهرها شدند و در مدتی کوتاه مصراته به مرکز تحکیم یک نیروی نظامی چشمگیر تبدیل گردید (Chuprygin, Matrosow, 2019:6-7). انتخابات مجلس در لیبی در حالی برگزار شد که برخلاف انتظار نتایج آن به نفع احزاب و گروه‌های متمایل به اخوان المسلمین نبود، کسب تنها ۸۰ کرسی نمایندگی از سوی احزاب سیاسی نشان داد که فرهنگ سنتی و تمایلات قبیله‌ای در این کشور فاصله زیادی با فرهنگ تشکیلاتی و دموکراسی دارد. در نتیجه، احزاب و گروه‌های منسجم سیاسی از جمله حزب عدالت و سازندگی و گروه‌های سیاسی دیگر با اقبال مردم مواجه نشدند. این درحالی بود که نمایندگان غیر حزبی وابسته به قبایل و مناطق با تشکیل ائتلافی از حامیان رژیم سابق و مخالفان کنگره ملی توانستند اکثریت پارلمان را در اختیار بگیرند.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای بحران سیاسی لیبی، انتقال قدرت از کنگره ملی به مجلس نمایندگان بود؛ کنگره ملی با توجیه خارج کردن کشور از بحران با استنباط اینکه مجلس نمایندگان رویه‌های قانون اساسی را برای انتقال قدرت رعایت نکرده است، خواستار بازگشت کنگره ملی برای اتخاذ قوانین لازم برای رفع بحران شد. در ۶ نوامبر ۲۰۱۴ دیوانعالی کشور بموجب بند ۱۱ اصلاحیه قانون اساسی، انتخابات را مردود اعلام کرد و تشکیل جلسات مجلس نمایندگان در شهر طبرق غیرقانونی اعلام شد. مجلس نمایندگان مورد حمایت ارتش ملی (LNA) لیبی مصوبه انتقال قدرت کنگره ملی را رد کرد و ژنرال خلیفه حفتر فرمانده ارتش عملیات "عزت" را برای تصرف پایتخت در مه ۲۰۱۴ آغاز کرد. بنابراین، تقسیم قدرت در ساختار حاکمیتی لیبی باعث تضعیف نهاد دولت با تحریک و پشتیبانی عوامل خارجی گردید و دو اردوگاه اصلی قدرت در غرب (لیبرال‌های طرفدار ژنرال حفتر) و شرق لیبی (اسلام‌گرایان وفادار به کنگره ملی) درمقابل هم صف‌آرایی کردند (قاسم حسین، ۲۰۱۹: ۶۴-۶۲).

با میانجیگری سازمان ملل متحد دو طرف درگیر در بحران لیبی در تاریخ ۱۷ دسامبر ۲۰۱۵ در شهر الصخیرات مراکش توافقنامه صلح را امضا کردند. دو طرف بر سر تشکیل دولت وفاق ملی و انحلال دولت موقت شرق لیبی توافق کردند. توافقنامه سیاسی بر مبنای چهار اصل: تضمین حقوق دموکراتیک مردم لیبی، اصل تفکیک قدرت، نظارت و توانمندسازی نهادهای دولتی و احترام به حقوق قضایی و استقلال آن آغاز شد. طیف گسترده‌ای از نمایندگان گروه‌ها شامل اعضای مجلس نمایندگان لیبی، شورای ملی انتقالی و احزاب سیاسی لیبی شرکت کردند. در ۱۵ فوریه ۲۰۱۶ توافقنامه سیاسی منجر به ایجاد دولت وفاق ملی به رهبری فایز السراج بعنوان نخست وزیر شد (Oztas, Polat, 2019:16).

گرچه این پیمان صلح توسط قطعنامه شورای امنیت مورد تأیید قرار گرفت؛ اما تصمیمات اتخاذ شده در پیمان صلح الصخیرات به صورت کامل عملیاتی نشد. دولت وفاق ملی مورد تأیید سازمان ملل که از سوی ترکیه، قطر و ایتالیا حمایت می شود، تسلط سرزمینی بر همه مناطق لیبی را ندارد. نیروهای ارتش وابسته به ژنرال حفتر چند روز پس از امضای این توافقنامه به بهانه وجود گروه داعش در مناطق غرب لیبی، حملاتی را راه اندازی کردند. این گروه که از سوی مصر، امارت، عربستان و فرانسه حمایت می شود، با تصرف بخش های وسیعی از لیبی حلقه محاصره دولت وفاق ملی برخاسته از توافق نامه الصخیرات را تنگ تر کرد. در این میان، تلاش های صلح مانند ابتکار صلح فرانسه بر سر برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری با پادرمیانی غسان سلامه، نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل، نتوانست بحران لیبی را به پایان برساند و طرف های درگیر در منازعه داخلی لیبی با اصرار بر حذف دیگری به نبرد با یکدیگر ادامه دادند (پیربالایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۰).

با ادامه بحران، لیبی ویژگی های یک دولت ناتوان را پیدا کرد. عدم توانایی دولت وفاق برای کنترل سرزمینی و استقرار نظم فراگیر در کشور باعث شد، نقش بازیگران محلی و نیروهای گریز از مرکز برجسته شود. شبه نظامیان قدرتمند به جای برقراری نظم و امنیت بدنبال تضعیف رقبا و گسترش حوزه نفوذ خود بودند. این امر افزایش جرم و جنایت و بهم خوردن انسجام اجتماعی جامعه لیبی را به همراه داشته است. دو اردوگاه اصلی قدرت در لیبی در شرق و غرب لیبی کنترل امور را به دست گرفته اند. در این میان، بازیگران خارجی برای تاثیرگذاری بر معادلات صحنه بحران لیبی به حمایت و پشتیبانی از دو بلوک قدرت ادامه می دهند. مصر، عربستان، امارات و حتی فرانسه و روسیه در کنار حفتر و ترکیه، قطر، ایتالیا و سازمان ملل از دولت وفاق ملی حمایت می کنند. دراصل، حامیان داخلی و خارجی این دو بازیگر در لیبی و جهت گیری سران قبایل موازنه قوای دوطرف را شکل می دهد.

نقش بازیگران عرب منطقه: بحران لیبی و پیامدهای منطقه ای آن باعث شد بازیگران منطقه ای ائتلاف های جدیدی برای تاثیرگذاری بر معادلات قدرت تشکیل دهند. مصر، امارات متحده عربی و عربستان که نگران منافع اقتصادی و ژئوپلیتیک خود در شمال آفریقا هستند از خلیفه حفتر فرمانده ارتش ملی لیبی حمایت کرده اند. این کشورها نگرانی های مشترکی از جمله مسائل امنیتی و اقتصادی تا اهداف ایدئولوژیک (مبارزه با اسلام سیاسی) برای این ائتلاف

نوشته دارند. مصر، امارات متحده عربی و عربستان که سایه اسلام سیاسی از نوع اخوانی آن را بر آینده تحولات منطقه خاورمیانه احساس می‌نمایند تلاش می‌کنند تا مانع حاکمیت احزاب متمایل به اخوان المسلمین در کشورهای عربی گردند. این کشورها بحران لیبی و پیامدهای آن را چالش خطرناکی برای ثبات داخلی و مشروعیت سیاسی خود می‌دانند؛ از اینرو، نقش مهمی در توانمندسازی قدرت نظامی حفر برای تسلط بر منطقه شرق لیبی و مقابله با دولت وفاق ملی مورد حمایت اخوان المسلمین داشته‌اند. فرمانده ارتش لیبی با اعلام عزم خود برای مقابله با تسلط و نفوذ اخوان المسلمین لیبی بر دولت وفاق ملی توانسته است پشتیبانی اطلاعاتی و لجستیک کافی بدست آورد.

سیاست خارجی مصر در لیبی علاوه بر اهداف ایدئولوژیک (اسلام سیاسی) اولویت‌های دیگری را که تهدید کننده منافع این کشور است دنبال می‌کند، بدین لحاظ، نقش و حضور پررنگ در تحولات و رقابتهای میدانی بحران لیبی داشته است: نخست اینکه مصر حدوداً ۱۱۵۰ کیلومتر مرز مشترک با لیبی دارد که یک گذرگاه عمده قاچاق سلاح و مواد مخدر برای شبه نظامیان افراطی مستقر در منطقه سینای مصر محسوب می‌شود. مرزهای شرقی لیبی می‌تواند پناهگاه امنی برای عبور و مرور گروه‌های تندرو همچون القاعده به سمت صحرای سینا باشد؛ براین اساس، اقدامات مصر در لیبی حول منافع امنیتی و دغدغه‌های حضور اسلامگرایان افراطی قابل توجیه است. دوم اینکه مصر برای حضور در بحران لیبی منافع اقتصادی را مد نظر قرار داده است؛ تا قبل از بحران لیبی در سال ۲۰۱۱، حدود ۲ میلیون کارگر مصری در صنایع نفت، گاز و ساخت و ساز مشغول به کار بودند که این نیروی کار سالانه ۳۳ میلیون دلار به کشور خود ارز می‌فرستادند. علاوه بر این، لیبی ضمن سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی مصر، مقدار قابل توجهی نفت ارزان قیمت در اختیار این کشور می‌گذاشت. لیبی حدود ۱.۶ میلیون بشکه نفت در روز تولید می‌کند و مصر درصدد است با تامین منافع خود در لیبی بویژه در بخش انرژی، به مزایای تجاری و اقتصادی قابل توجه دست یابد (Polat, 2020: 6).

نشست گازی شرق مدیترانه: دریای مدیترانه شرقی شاهد اکتشافات مهم منابع نفت و گاز در یونان، قبرس و اسرائیل (فلسطین اشغالی) بوده است. کشف میادینی گازی مانند زهر مصر که بزرگ‌ترین میدان گازی مدیترانه است می‌تواند این کشور را به یکی از قطب‌های انرژی در منطقه تبدیل کند و نقش تعیین کننده‌ای در معادلات امنیتی منطقه ایفا

نماید. اجلاس چهار جانبه گاز دریای مدیترانه با شرکت وزرای انرژی مصر، یونان، قبرس جنوبی و رژیم صهیونیستی در آتن برگزار شد. با وجود حضور اکثر کشورهای منطقه در این اجلاس، ترکیه به این نشست دعوت نشد. ترکیه که در ضلع شمالی شرقی مدیترانه واقع است، تشکیل نشست گازی را بدون حضور کشور ترکیه یک توطئه علیه منافع کشورش دانست.

در واکنش به اجلاس گازی، ترکیه ضمن انجام عملیات اکتشافی در شرق مدیترانه تفاهم-نامه‌ای برای تأمین حقوق حفاری در دریای مدیترانه با دولت وفاق ملی منعقد کرد. توافق‌نامه جدید یک روند عجیب را برای نقشه‌برداری از مرزهای دریایی بین ترکیه و لیبی که نه همسایه و نه مرز مشترکی دارند، تعیین می‌کند. به گفته مقامات یونان، خطوط ترسیمی در این توافق، به منطقه اقتصادی جزیره "کرت" یونان تجاوز کرده است. ترکیه عملیات حفاری در منطقه اقتصادی انحصاری قبرس در شرق مدیترانه را در تاریخ ۶ مه ۲۰۱۹ آغاز کرد و یک کشتی حفاری به آبهای سرزمینی برای اکتشاف ذخایر انرژی ساحل قبرس ارسال کرد. کشورهای اتحادیه اروپا نسبت به این اقدام موضع بی‌سابقه‌ای در قبال ترکیه اتخاذ کردند و متعهد شدند در صورت ادامه فعالیت‌های حفاری در منطقه اقتصادی قبرس شمالی، تحریم‌هایی علیه ترکیه اعمال کنند. ترکیه (عضو پیمان آتلانتیک) که پیش از این با تهدیدهای تحریم‌های ایالات متحده بلحاظ خرید سامانه دفاع موشکی روسیه روبرو بوده است اکنون با این خطر روبروست که ممکن است توسط اتحادیه اروپا هم منزوی گردد (Burweilla, 2019: 3-4).

یونان، مصر، رژیم صهیونیستی و پارلمان منطقه شرق لیبی (طبرق) توافق‌نامه بین ترکیه و دولت وفاق ملی را رد کردند. وزرای مصر و یونان در گفتگوهای فی‌مابین در قاهره خواستار تسریع مذاکرات پیرامون مناطق اقتصادی دو کشور در شرق مدیترانه شدند. مرکز امنیت قومی رژیم صهیونیستی با اعلام نگرانی از نقش برجسته ترکیه در لیبی مدعی شد هدف ترکیه از حضور در لیبی مقابله با همکاری مشترک رژیم صهیونیستی، مصر و یونان در زمینه اکتشاف گاز و منابع اقتصادی دریای مدیترانه است و تحولات لیبی بر مصالح استراتژیک تل‌آویو تاثیر منفی دارد. لیبی شریک مهم ترکیه در شرق مدیترانه درمقابل بلوک قدرتمند نشست گازی است که سعی می‌کند ترکیه را از پروژه اکتشاف ۳.۵ تریلیون مترمکعب گاز و ۱.۷ میلیارد بشکه نفت دور سازد. به علاوه، رابطه مستحکم ترکیه با لیبی موضع این کشور را در رقابت تاریخی با یونان برای حاکمیت بر جزایر مدیترانه، همچنین موضع ترکیه را در گفتگوهای این کشور با اتحادیه اروپا در مورد لیبی و مسائل شمال آفریقا تقویت می‌کند (الرنیسی، ۲۰۱۹: ۵).

اتحادیه اروپا از یونان و قبرس در رابطه با بحران جدید در دریای مدیترانه شرقی حمایت کرد و شورای اروپا نیز فعالیت‌های حفاری ترکیه در منطقه اقتصادی انحصاری قبرس را غیر قانونی اعلام نمود. از نگاه این شورا، تفاهم‌نامه ترکیه و لیبی، مطابق قانون دریا نیست و حقوق حاکمیتی کشورهای ثالث را در دریای مدیترانه نقض می‌کند. در اجلاس سران اتحادیه اروپا، نخست وزیر یونان خواستار انزوای ترکیه شد و برعزم یونان برای محافظت از حقوق دریایی و استقلال تاکید کرد. رژیم صهیونیستی هم که یکی از اعضای نشست گازی است حمایت خود را از یونان در منازعه با ترکیه اعلام کرده است. وزارت امور خارجه این رژیم با ابراز نگرانی از اقدامات اخیر ترکیه در دریای مدیترانه، هشدار داد که نادیده گرفتن قوانین بین‌المللی دریا می‌تواند صلح و ثبات در این منطقه را به خطر اندازد (Tzogopoulos, 2019: 3).

۵- ضرورت‌های حضور ترکیه در بحران لیبی

پس از روی کار آمدن معمر قذافی، ترکیه و لیبی روابط حسنه ای با یکدیگر داشتند. اوج این روابط گرم در جریان حمله ترکیه به جزیره قبرس نمایان شد، زمانی که لیبی علاوه بر حمایت سیاسی از اقدام نظامی ترکیه، وظیفه سوخت‌رسانی به هواپیماهای جنگی ترکیه را نیز برعهده گرفت. بدین لحاظ، ترکیه در برابر تحریم‌های غرب علیه لیبی در دوره قذافی و در مراحل اولیه تهاجم ناتو به این کشور در سال ۲۰۱۱ مقاومت زیادی از خود نشان داد. البته پس از واکنش شدید تظاهر کنندگان به موضع‌گیری ترکیه این کشور در قالب ائتلاف پیمان آتلانتیک شمالی به صورت فعال از مخالفان حکومت حمایت نظامی کرد. پس از سقوط قذافی نیز ترکیه همواره از دولت وفاق ملی لیبی حمایت کرده که یکی از دلایل اصلی آن سرمایه‌گذاری چشمگیر شرکت‌های ترک در این کشور بود. پس از پیروزی مخالفان، ترکیه شورای ملی انتقالی را به عنوان تنها نماینده مردم لیبی برسمیت شناخت و بعد از کنترل کامل طرابلس توسط شورای انتقالی سفیر خود در طرابلس را منصوب کرد. تجارت دو جانبه بین ترکیه و لیبی - سالانه دو تا سه میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. آنکارا آمادگی خود را برای نظارت بر نیروهایی برای حمایت از بنادر صادر کننده نفت لیبی اعلام کرده و یکی از بزرگترین شرکت‌های نفتی ترکیه در بازسازی پالایشگاه‌های نفتی و زیرساخت‌های نابود شده در بندرهای لیبی در حال رقابت است. (Shay, 2019: 3).

برهمین اساس، ترکیه از توافقنامه سیاسی لیبی بین جناح‌های قدرت تحت نظارت سازمان ملل با عنوان "پیمان الصخیرات" در سال ۲۰۱۵ حمایت کرد. با این حال، با اعلام جنگ ژنرال

حفر علیّه دولت مستقر در طرابلس، متحدین او از اقداماتش حمایت کردند. از سوی دیگر، ناتوانی دولت در پایان دادن به حضور گروه‌های شبه نظامی باعث شد کشورهای غربی برای ساختن ارتش و دولت بر روی حفر قمار کنند. نقش نظامی ترکیه در حمایت از دولت شناخته شده بین‌المللی در طرابلس پس از حمله حفر به طرابلس پایتخت لیبی افزایش یافت. رئیس‌جمهور ترکیه به نخست‌وزیر دولت وفاق ملی فایزالسراج اطلاع داد که آنکارا برای مقابله با آنچه او توطئه علیه لیبی خواند، آماده همکاری نظامی است (Chuprygin, Matrosow, 2019:8-9).

براساس راهبرد جدید سیاست خارجی ترکیه، این کشور بر سر منافع و موقعیت خود در شمال آفریقا (لیبی) قمار کرده است. این کشور تلاش می‌کند ضمن حفظ موقعیت خود در شمال آفریقا در مقابل رقبای منطقه‌ای خود در شرق مدیترانه از جمله یونان، مصر، قبرس و رژیم صهیونیستی از منافع اقتصادی خود دفاع نماید. از اینرو، ترکیه به استناد قطعنامه شورای امنیت و تأیید دولت وفاق ملی لیبی از سوی سازمان ملل متحد، حمایت همه‌جانبه از موجودیت دولت مستقر در طرابلس را در دستور کار خود قرار داده است. براین اساس کمک‌های نظامی، لجستیک و فنی به حکومت نزدیک به اخوان المسلمین لیبی را در این مقوله توجیه می‌کند. برای دولت ترکیه روشن است که با سقوط دولت مورد حمایتش در لیبی آخرین پایگاه مستحکم این کشور که سرمایه‌گذاری‌های گسترده اقتصادی و ژئوپلیتیک در آن داشته از دست خواهد رفت. خروج دهها هزار کارگر و مهندس ترک از لیبی علاوه بر ضررهای مالی هنگفت به اقتصاد ترکیه، ضربه حیثیتی بزرگی به اعتبار و موقعیت ترکیه در منطقه خواهد زد. از طرفی شکست پروژه اسلام سیاسی مورد حمایتش که از مصر با کودتا برضد دولت اخوانی محمد مرسی شروع شد، با تضعیف النهضه در تونس تداوم یافت، در سوریه با به حاشیه راندن گروه‌های اخوانی ادامه یافت، در نهایت با سرنگونی دولت متمایل به اخوان المسلمین لیبی تکمیل خواهد شد. این دقیقاً همان چیزی است که رقبای منطقه‌ای ترکیه در قامت دولت‌های محافظه‌کار عرب از جمله مصر، امارات متحده و عربستان سالهاست که آرزوی آن را در سر می‌پروراند.

جدا از مسئله بحران لیبی، یک رشته تحولات در منطقه شرق مدیترانه باعث شد ترکیه با لیبی به توافق امنیتی و دریایی دست یابد. این توافق اولین معامله از نوع خود در منطقه اقتصادی ترکیه با کشورهای ساحلی به استثنای قبرس ترک نشین می‌باشد. مهمترین عاملی که ترکیه را وادار ساخت به سرعت با دولت وفاق ملی لیبی به توافق دست یابد این بود که کشورهای یونان، قبرس، مصر در زمینه اکتشاف و ایجاد خط لوله گازی مدیترانه از مسیر یونان به اروپا در گردهمایی مشترک به توافق رسیده بودند. برای برگزاری نشست گازی از بیشتر

کشورهای حاشیه شرق مدیترانه به استثنای ترکیه و لبنان دعوت به عمل آورده بودند. توافق ترکیه و لیبی مزایا و منافع بیشماری برای ترکیه دارد: حضور سیاسی و قانونی ترکیه را در شرق مدیترانه برای کاوش و اکتشاف منابع انرژی رسمیت می بخشد، ترکیه در مسیر مرز دریایی یونان، قبرس جنوبی در جزایر کریت و میس با مصر مانع ایجاد می کند، طرح جدایی ترکیه و قبرس شمالی را ناکام می گذارد و نقش ترکیه در جغرافیای سیاسی شرق مدیترانه را بهبود می بخشد، به دولت‌های شرکت کننده در نشست گازی یادآوری می کند که عبور خط لوله گاز از مسیر ترکیه برای بازارهای اروپایی اقتصادی و امن تر می باشد (الرنیتسی، ۲۰۱۹: ۷).

دکترین وطن آبی ترکیه: نظریه معروف به میهن آبی (ماوی وطن) توسط دریاسالار جم جم گوردنیز در سال ۲۰۰۶ اعلام شد؛ بر این اساس اهداف راهبردی ترکیه در دو مسیر مهم آبی تعیین می شود: نخست، سه دریای اطراف ترکیه (دریای مدیترانه، اژه و سیاه) و مسیر دوم که شاهراه انرژی دنیاست دریای سرخ، دریای عرب و خلیج فارس را در برمی گیرد. ترکیه در نظر دارد با کنترل سه دریای اطراف ترکیه و حضور در شاهراه دریایی انرژی هم منابع انرژی خود را تامین کند و هم بر تحولات منطقه‌ای تاثیرگذار باشد. فراتر از آن، هدف پنهان ترکیه لغو اثرات معاهده لوزان است که در سال ۱۹۲۳ به ترک‌ها تحمیل شد و باعث گردید ترکیه طی ۱۰۰ سال گذشته، تحت حمایت غرب (در مقابل تهدید کمونیست‌ها) باشد. با سقوط کمونیسم و تضعیف روسیه و همزمان با رشد اقتصادی و جمعیتی، نیازهای انرژی ترکیه که محرک رشد اقتصادی است، افزایش یافته است. تأمین کنندگان انرژی ترکیه کشورهای روسیه، ایران، عراق و لیبی هستند و ترکیه در سال ۲۰۱۸ بیش از یک میلیون بشکه نفت در روز و بیش از ۵۱ میلیارد متر مکعب گاز وارد کرده است. ترکیه برای اطمینان از تداوم تأمین انرژی در مناطقی همچون شمال سوریه، شمال عراق و لیبی از نظر نظامی فعالیت می کند و از سوی دیگر ترکیه به روسیه، ایران، عراق و لیبی تعهد سیاسی دارد. این تعهد حتی اگر در جهت مخالف منافع سیاسی، نظامی و اقتصادی این کشور باشد، احتمال انجام یک کارزار نظامی بین ترکیه و هریک از این کشورها بسیار کم است (Pinko Eyal, 2020: 2).

ترکیه تلاش می کند تا به یک قدرت دریایی منطقه ای تبدیل شود. اقدامات ترکیه در دریای مدیترانه، اژه، دریای سرخ و سایر نقاط جهان بخشی از یک طرح پیچیده و بزرگتر است تا کنترل مناطق حیاتی دریایی را بدست گیرد. از اینرو نیروی دریایی ترکیه بطور مرتب در

دریای مدیترانه، دریای سیاه، اژه و کناره های جزایر شرق یونان گشت می زنند. مراحل توسعه نیروی دریایی ترکیه با اقدامات سیاسی و نظامی دیگری همچون ساخت پایگاههای نظامی، آموزش واحدهای جنگی و تهیه تجهیزات جنگی در کشورهای دوردست مانند لیبی، سودان، قطر، سومالی و پاکستان پشتیبانی می شود. آنها در دریای سرخ، تنگه های باب المندب در دریای عرب و خلیج فارس فعالیت خود را آغاز کرده اند.

همکاری های امنیتی و دریایی: در سال ۲۰۱۹ ترکیه با لیبی توافق نامه ای را امضا کرد که بموجب آن ترکیه قلمرو دریایی لیبی را کنترل می کند و در عمل راهرو دریایی در شرق مدیترانه را تأسیس کرد. کنترل قلمرو دریایی به ترکیه اجازه می دهد حرکت کشتی ها، مخازن گاز طبیعی و لوله های گاز موجود در منطقه را نظارت کند. این توافق واکنش منفی کشورهای یونان، مصر، قبرس و حتی فرانسه را بدنبال داشته است این کشورها آن را بر خلاف مصالح خود تلقی کرده اند (Pinko Eyal, 2020: 1).

براساس مفاد توافق نامه بین ترکیه و لیبی، دفتر "هماهنگی دفاعی و امنیتی" برای همکاری های نظامی و لجستیک بین نیروهای نظامی طرفین راه اندازی شد. متن توافق نامه بدین شرح است:

- ارائه آموزش های نظامی، مشاوره و پشتیبانی از برنامه های جنگی، تخصیص وسایل نقلیه هوایی، زمینی و دریایی.
- برگزاری رزمایش های مشترک نظامی، تبادل اطلاعات و شرکت در عملیات مشترک صلح.
- راه اندازی نیروی واکنش سریع در صورت درخواست مقامات لیبی.
- فروش و بکارگیری تجهیزات نظامی و انتقال فن آوری (Oztas, 2019: 24).

ترکیه طبق توافق نامه همکاری نظامی، تجهیزات نظامی در اختیار دولت وفاق ملی قرار می دهد زیرا پشتیبانی نظامی آنکارا در مقابل نیروهای ژنرال حفتر که از سوی امارات و مصر حمایت می شوند، توازن قوا را در لیبی برقرار می کند. دولت ترکیه و دولت وفاق ملی تفاهم نامه ای در مورد حاکمیت بر مناطق دریایی در دریای مدیترانه امضا کردند تا به اختلاف نظر درباره تعیین مرزهای دریایی در مدیترانه شرقی که چاه های عظیم نفت و گاز دارد پایان دهند. این نشان می دهد که هدف ترکیه فراتر از اوضاع لیبی، شرق مدیترانه را شامل می شود. تفاهم نامه همکاری امنیتی ترکیه و لیبی موارد: آموزش های نظامی و ضد تروریستی، مهاجرت غیرقانونی، تدارکات، نقشه ها و

برنامه‌ریزی‌های نظامی را در برمی گیرد. طبق تفاهمنامه در صورت درخواست لیبی، ترکیه نیروهایش را جهت کمک به دولت لیبی اعزام می کند (Without Name, 2020: 2). توافق‌نامه دوجانبه نظامی، ترکیه را موظف می کند در صورت درخواست طرابلس، ادوات و تجهیزات نظامی و اسلحه، نیروهای واکنش سریع خود را به این کشور اعزام نماید. البته اردوغان تاکنون بر آمادگی ترکیه برای پشتیبانی لجستیک از نیروهای سراج به جای فرستادن سربازان بطور مستقیم تأکید کرده است. دولت وفاق ملی لیبی نه تنها باید عدم خشنودی رهبران اروپایی نسبت به دریافت کمک لیبی از ترکیه را در نظر بگیرند، بلکه باید مخاطرات چنین مداخله‌ای را نیز محاسبه کنند. اما به نظر می‌رسد ترکیه تمایل به عقب‌نشینی ندارد، پس از اینکه اردوغان قول داد نیروهای خود را به لیبی بفرستد، قبرس شمالی با حمایت ترکیه، هواپیماهای بدون سرنشین خود را برای کمک به پروژه‌های حفاری گاز ترکیه در نزدیکی این جزیره اعزام کرد.

ارسال سلاح و تجهیزات نظامی برای شبه نظامیان حامی دولت وفاق ملی لیبی از سالها قبل تداوم داشته‌است. در سپتامبر ۲۰۱۵ مقامات یونان در شمال شرقی جزیره کرت یک کشتی حامل سلاح به مقصد مصراته و طبرق را توقیف کردند. در ۷ ژانویه سال ۲۰۱۸ مقامات یونان یک کشتی باری حامل اسلحه و مواد منفجره که به سمت بندر مصراته (کانون اسلام گرایان) در حرکت بود را مصادره کردند. این محموله همچنین شامل مقدار زیادی از مواد منفجره نیترات آمونیوم و ۱۱ مخزن بنزین مایع خالی بود. در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۸ محموله اسلحه از ترکیه توسط گمرک لیبی در بندر خمس تقریباً ۱۰۰ کیلومتری شرق طرابلس توقیف شد (Burweilla, 2019: 3-4).

امضای توافق نامه امنیتی و دریایی از سوی ترکیه با دولت وفاق ملی پیامدهای مهمی در صحنه رقابت با قدرتهای منطقه ای شرق مدیترانه و فراتر از آن در تعامل این کشور با اتحادیه اروپا به جا گذاشته است. ترکیه در واکنش به کنار گذاشتن این کشور از نشست گازی، از لیبی بعنوان شریک و پلی برای جاه طلبی‌های خود استفاده کرده است. پیمانهای اخیر بین لیبی و ترکیه از منافع اقتصادی عبور کرده است و به شکل مستقیم بر قواعد بازی و موازنه قوا در منطقه شمال آفریقا و شرق مدیترانه تاثیرگذار می باشد. ترکیه با حمایت کامل از دولت وفاق ملی لیبی یک هدف راهبردی را تعقیب می کند و آن حفظ منافع بالقوه منطقه‌ای ترکیه در شرق مدیترانه و شمال آفریقا است. بعد از توافق و اقدامات مشترک مصر و یونان برای فعالیت-

های اکتشافی نفت و گاز در مدیترانه شرقی، ترکیه که منافع خود را در مدیترانه (میهن آبی) در معرض تهدید دید دست به اقدامات متقابل زد و سه کشتی تحقیقاتی و اکتشافی به این دریا اعزام نمود. آنکارا برای مشروعیت بخشیدن به این اقدام، موافقتنامه‌ای با لیبی امضا کرد که بموجب آن حدود دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره که از لحاظ فعالیت‌های اکتشافی و استخراجی نفت و گاز دارای اهمیت است، ترسیم شدند. این اقدام ترکیه سبب می‌شود از یکسو این کشور در رقابت و مناقشه انرژی در مدیترانه شرقی جای پای محکم تری نسبت به قبل داشته باشد و از سوی دیگر زمینه را برای سرمایه‌گذاری در منطقه فلات قاره لیبی در مدیترانه و بهره‌گیری از مزایا و منافع اقتصادی فراهم سازد.

نتیجه‌گیری

با توجه به جایگاه متمایز لیبی در سواحل جنوب دریای مدیترانه، ترکیه آن را به منزله دروازه ورودی به قاره آفریقا می‌داند، از اینرو تلاش کرده است با تقویت روابط سیاسی و اقتصادی با این کشور موقعیت خود را در توازن قدرت با قدرت‌های منطقه‌ای حفظ کند. ترکیه با حضور قدرتمند در بحران لیبی و بدست گرفتن ابتکار عمل در شمال آفریقا تمام تلاش خود را برای حفظ روابط راهبردی با دولت مورد حمایت سازمان ملل به کار بسته است. از این لحاظ سیاست خارجی فعال ترکیه در شمال آفریقا بویژه لیبی از سه منظر مورد توجه قرار دارد: نخست آنکه شمال آفریقا از منظر ایدئولوژیک برای ترکیه اهمیت بسیار دارد و آن حمایت از گرایش‌های اخوانی در کشورهای شمال آفریقا بویژه لیبی است. از این نگاه، حمایت از اسلام سیاسی از نوع اخوانی در مدار خط مشی آنکارا بوده است. البته با توجه به شکست پروژه پیاده‌سازی الگوی حکومتی حزب عدالت و توسعه ترکیه در کشورهای عربی به نظر می‌رسد که راهبرد ترکیه در این خصوص دچار تعدیل شده است.

دومین مورد جنبه‌های اقتصادی روابط این کشور با لیبی و اهمیت عامل انرژی در معادلات اقتصادی در منطقه می‌باشد. بنابراین، لیبی از کشورهای مهم شمال آفریقا برای ترکیه اهمیت حیاتی دارد و لازم است دولت وفاق ملی برای اجرای توافقات دوجانبه در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی تثبیت گردد. البته، لیبی از گذشته دور روابط مستحکمی در زمینه‌های اقتصادی و تجاری با لیبی چه در دوره قذافی و چه در دوره جدید داشته است. موضوع قراردادهای مهم

اقتصادی و پروژه های نیمه تمام ساختمانی، توسعه و بازسازی زیرساخت ها در کنار بدهی های لیبی به پیمانکاران ترکیه، تدوام این روابط را توجیه می کند.

سومین رویکرد این است که منطقه شمال آفریقا و شرق مدیترانه برای ترکیه از اهمیت حیاتی برخوردار است و فعال شدن ترکیه در این منطقه نشان از تغییر رویکرد و اولویت های سیاست خارجی این کشور دارد. ترکیه سیاست توازن و تقابل را با کشورهای منطقه در پیش گرفته است و سیاست خارجی تهاجمی ترکیه در لیبی و انعقاد قراردادهای نظامی و اقتصادی با دولت وفاق ملی در این راستا قابل توجیه است. واقعیت آن است که ترکیه علاقه وافری به ایجاد یک توازن راهبردی در شمال آفریقا و شرق مدیترانه با رقبای منطقه ای دارد و با حضور نظامی در منطقه می خواهد توازن قوا را به نفع خود تغییر دهد. امری که از سوی کشورهای منطقه در راستای تقویت نفوذ و تسلط ترکیه قلمداد شده است. بنابراین، تلاش های دیپلماتیک ترکیه همراه با اعزام نیروی نظامی به لیبی در راستای حفظ این برتری بدست آمده و بالقوه در دریای مدیترانه و شمال آفریقا قابل تفسیر است. علاقه استراتژیک ترکیه، ایجاد یک توازن مدیترانه ای است که ممکن است با سیاست های اروپایی ها هم در تضاد باشد.

منابع و مأخذ

۱- فارسی و عربی

- پیربالایی، روح الله؛ خورشیدی، ناصر؛ نوده، محمدعلی (۱۳۹۸)، واکاوی متغیرهای اثرگذار بر استمرار بحران سیاسی و چالش های امنیتی لیبی، فصلنامه علمی مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره ۱، صص ۱۶۱-۱۶۰
- قاسم حسین، احمد، (۲۰۱۹)، "دور قوی القوی الخارجیه فی العمليه السياسيه: حاله ليبيا بعد الاتفاق السياسی الصخیرات" المرکز العربی للابحاث و دراسه السياسات
- متقی، ابراهیم و نکولعل آزاد، فاطمه و رمضانی، امیر (۱۳۹۵)، گذار از موازنه گرایی منطقه ای به تنش زدایی در سیاست خارجی ترکیه، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۱۱۲
- محمدی، محمدرضا (۱۳۹۸)، نگاهی به انگیزه های ترکیه برای همکاری با دولت وفاق لیبی، موسسه آینده پژوهی جهان اسلام قابل دسترسی در: <http://www.iiwfs.com/islam-world/islam-world-notes-and-papers/1247>
- حسینی، سید محمود (۱۳۹۸)، نقش ترکیه و مصر در لیبی با نگاهی به منافع ایران، اندیشکده راهبردی تبیین، بازیابی شده در ۱ بهمن ۱۳۹۸ قابل دسترسی در <http://tabyincenter.ir/35329/>

- واحدی، الیاس، (۱۳۹۸)، مداخله ترکیه در لیبی؛ ماجراجویی یا توجه به عمق استراتژیک، قابل دسترسی در سایت: موسسه مطالعات و تحقیقاتی بین‌المللی ابرار <https://tisri.org/?id=r3l9zlgw>
- Bagci, Huseyin & Erdurmaz, Serdar, (2017), Libya and Turkey s Expansion Policy in Africa, E-journal of Internationa Relations, Vol.8,No.2, pp. 38-52
 - Burwella, Aya, (2019), Turkry's Support to Libya's Outlaw Militias and the Threat to Europe's Southern Flank, Research Institute for European and American Studies
 - Chuprygin, Andrei & Matrosov, Valery A.(2019), Key Actors in the Libyan Conflict; Friends and Foes of the Libyan Political Milieu, Russian In Global Affairs, Vol.17, No.4
 - Daily Sabah, (2019), Turkish contractors want to return to Libya, resume projects once peace restore, Available at: <https://www.dailysabah.com/business/2019/12/24/>
 - Oztas, Polat, (2019), Turkey-Libya Relation: Economic and Strategic Imperatives, TRTWorld Research Centre, Available at www.trtworld.com
 - Pinko, Eyal,(2020), Turkey s Maritime Strategy Ambitions: The blue Homeland Doctorine, Research Institute European And American Studies(www.rieas.gr) Published at 7 April 2020
 - Shaul Shay (2019),The escalation of the war in Libya, Research Institute for European and American Studies, Available at www.rieas.gr
 - Taliaferro, Jeffrey W, Steven E. Lobell and Norrin M. Ripsman (2009), Introduction: Neoclassical Realism, the State and Foreign Policy, Cambridge University Press
 - Without Name, (2020), Turkey's Growing Role in Libya: Motives, Background and Responses, Arab Center for Research and Policy Studie, Available at <https://www.dohainstitute.org/en>
 - Yayla, Ahmet s.(2020) , Erdogan's Libyan Adventure: Turkey, Russia, Gas Pipelines and Missiles, Georgetown University, Available at:[https/ /www.researchgate.net/publication/338555807](https://www.researchgate.net/publication/338555807)